

ملحق رقم (4)

پیوست ۴

قصه یوسف (ع) عبرة في زمن الظهور المقدس

داستان یوسف ع، عبرتی برای زمان ظهور مقدس

هذا نص ما ذكره السيد أحمد الحسن (ع) في خاتمة كتاب الاضاءات:

این متنی است که سید احمد الحسن ع در انتهای کتاب روشنگریها ذکر فرموده است:

[سورة يوسف تفتتح بـ: ﴿نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ﴾ يوسف: 3. وتختتم بـ: ﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ يوسف:

.111

[سورهی یوسف با ﴿بهترین داستان را برایت حکایت می‌کنیم﴾ (یوسف: آیه 3)] آغاز و با ﴿در سرگذشت آنها درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود! اینها داستان دروغین نبود؛ بلکه (وحي آسمانی است، و) هماهنگ است با آنچه پیش روی او قرار دارد؛ و شرح هر چیزی و هدایت و رحمتی است برای گروهی که ایمان می‌آورند!﴾ (یوسف: آیه 111)] به پایان می‌رسد.

وَبَيَّنْتُ فِيمَا مَضَى مِنَ الْأَضَاءِ أَنَّ قِصَّةَ يُوسُفَ (ع) مدارها الرؤيا، فيوسف النبي يرى رؤيا، والسجين يرى رؤيا، وفرعون يرى رؤيا، وكلها رؤى من الله بغض النظر أن من رآها نبي أو كافر، والله سبحانه وتعالى عبَّرَ عن هذه الرؤى التي قصها في سورة يوسف (ع) - والتي كانت مدار قصة يوسف (ع) وتمكينه من ملك مصر - بأنها ﴿أَحْسَنَ الْقَصَصِ﴾.

در روشنگری‌های پیشین گفتیم که داستان یوسف ع حول رؤیا می‌چرخد. یوسف پیامبر رؤیا می‌بیند، زندانی رؤیا می‌بیند، فرعون رؤیا می‌بیند و تمام اینها، رؤیاهایی از سوی خداوند هستند؛ صرف‌نظر از اینکه بیننده‌اش پیامبر باشد یا کافر. خداوند سبحان و متعال از این رؤیاهایی که در سوره‌ی یوسف تعریف نموده - که محور داستان یوسف ع و تمکین دادن او از سوی پادشاه مصر است - به ﴿بهترین داستان‌ها﴾ تعبیر فرموده است.

والآن، لنبحث في آخر آية من سورة يوسف لنعرف ماذا أراد الله من هذه القصة وهذه الرؤى التي قصها على النبي محمد ، وبالتالي على من يؤمن بهذا النبي الكريم وما جاء به ﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾. إذن، في هذه القصة منفعة، بل ومنفعة كبرى معتبرة، فالمفروض أن الإنسان يعتبر بغيره إذا وقع في حفرة فيجتنب طريقه وسلوكه لئلا يقع في نفس الحفرة، هذا هو المفروض.

اکنون به بحث و بررسی آخرین آیه‌ی سوره‌ی یوسف می‌پردازیم تا ببینیم خداوند از حکایت کردن این داستان چه منظوری داشته است؛ از این رؤیاهایی که برای حضرت محمد ص پیامبر خدا و به دنبال آن برای هرکسی که به این پیامبر بزرگوار ص و آنچه آورده است، ایمان دارد، حکایت فرموده است: ﴿در داستان‌هایشان، خردمندان را عبرتی است﴾.

بنابراین در این داستان بهره‌ای نهفته است؛ بهره‌ای که می‌توان عبرت‌های بزرگی از آن برگرفت. شایسته است انسان از غیر خودش عبرت گیرد؛ اگر کسی در گودالی سقوط کرده باشد، باید از راه و رفتار او دوری کند تا در همان گودال سقوط نکند؛ چنین چیزی پذیرفته شده است.

أما الواقع فإنَّ المعتبرين الذين تنفعهم قصة يوسف (ع) هم ﴿أُولِي الْأَلْبَابِ﴾، ولب الإنسان قلبه وباطنه، فأصحاب القلوب النيرة بنور الله، والظاهرة بقدر الله، هم المنتفعون من قص هذه الرؤى، وهذه المسيرة النبوية الكريمة. أما أصحاب البواطن السوداء المظلمة فهم ليسوا من أولي الألباب؛ لأن قلوبهم خاوية، فالظلمة عدم، ولا شيء في بواطنهم ليقال عنه لب.

اما واقعیت این است کسانی که درس و عبرت می‌گیرند و داستان یوسف ع به آنان سود و منفعت می‌رسانند فقط ﴿أُولِي الْأَلْبَابِ﴾ (خردمندان) هستند؛ و خرد انسان، قلب و باطن او می‌باشد؛ بنابراین دارندگان قلوب نورانی‌شده با نور خداوند و قلوب پاکیزه‌شده با پاک‌ی قدسی خداوند، بهره‌ندان از این رؤیایها و این مسیر نبوی کریم، می‌باشند. اما کسانی که درون‌های سیاه و تاریک دارند، جزو خردمندان محسوب نمی‌شوند؛ چرا که قلوبشان تهی است، آکنده از ظلمت عدم است و چیزی در اندرونشان نیست تا به آن خرد گفته شود.

فالمفروض أن تكون قصة يوسف (ع) عبرة لكل إنسان، ولكن الواقع أنها لن تكون عبرة إلا لمن يؤمنون بملکوت السماوات، وبالتالي يصدقون كلام الله الآتي في المستقبل، ولا يقولون عنه إنه من الشيطان. يصدقون كلام الله الذي سيأتي مع يوسف آل محمد ع، الذي سيأتي في المستقبل بين يدي محمد : ﴿مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ﴾.

داستان یوسف ع باید برای هر انسانی درس و عبرتی داشته باشد؛ ولی در واقع فقط برای کسانی درس و عبرت است که به ملکوت آسمانها ایمان دارند؛ در نتیجه آنان سخنان خداوند را که در آینده می‌آید، تصدیق می‌کنند و نمی‌گویند از سوی شیطان است. کلام خداوندی که با یوسف آل محمد ع خواهد آمد را تصدیق می‌کنند؛ همان کسی که در آینده در پیشگاه حضرت محمد ص خواهد آمد: ﴿این داستانی دروغین نیست، بلکه تصدیق سخن پیشینیان است﴾.

فلیست قصة یوسف (ع) ولا الرؤی التي رآها یوسف (ع) والسجين وفرعون، حديثاً یفتري من الشيطان، بل هي من الله، فلتكن لكم بها عبرة ومنفعة لئلا تعثروا وتقعوا في الحفرة عندما يأتي یوسف آل محمد ، فلم تكن هذه القصة التي سماها الله بأحسن القصص إلا ﴿تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ﴾، أي تصديق الذي سيأتي بين يدي محمد ، أي في المستقبل بعد محمد ، وهو یوسف آل محمد.

داستان یوسف ع و رؤیایی که یوسف ع و زندانی و فرعون دیدند، سخنانی کذب و دروغ نیست و از سوی شیطان نمی‌باشد؛ بلکه از جانب خداوند می‌باشند. پس بر شماست که از آن درس بگیرید و بهره‌مند شوید تا آن هنگام که یوسف آل محمد ع می‌آید، دچار لغزش نشوید و در گودال سقوط نکنید. این داستانی که خداوند از آن به نیکوترین داستانها تعبیر فرموده است، چیزی جز ﴿تصدیق سخن پیشینیان﴾ نیست؛ یعنی تصدیق آنچه در پیشگاه حضرت محمد ص در آینده خواهد آمد؛ یعنی در آینده، پس از حضرت محمد ص که همان یوسف آل محمد ع می‌باشد.

ولم يكن في هذه الرؤى والقصة تفصيل بعض الأمور التي تخص يوسف آل محمد، بل إن فيها ﴿تَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ﴾، وبالتالي فإن هذه القصة ستكون ﴿لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ ﴿وَلِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾، لا لمن سواهم في زمن ظهور يوسف آل محمد القائم المهدي ﴿هُدًى وَرَحْمَةً﴾.

در این رؤیایا و داستان، فقط تفصیل برخی موارد که به یوسف آل محمد ع اختصاص دارد، وجود ندارد، بلکه در آنها ﴿تفصیل هر چیزی﴾ می باشد و در نتیجه این داستان در زمان ظهور یوسف آل محمد ع یعنی قائم مهدی ع ﴿هدایت و رحمتی است﴾، فقط برای ﴿خردمندان﴾ و ﴿و برای گروه مؤمن﴾ خواهد بود و نه برای کسان دیگر!

فهؤلاء سيرون بنور الله أن زليخا (امرأة العزيز) هي الدنيا والملك الدنيوي ستقبل على آل محمد وعلى يوسف آل محمد، ولكنه لا يرضاها إلا بالطريق والسبيل الذي يريده الله، وهو التنصيب الإلهي وحاكمة الله. وسيكون رفض يوسف آل محمد للزنا والطريق غير المشروع عند الله (حاكمة الناس) سبباً لعنائه في بادئ الأمر، كما كان رفض يوسف (ع) للزنا سبباً لسجنه.

آنان با نور خداوندی خواهند دید که زلیخا (همسر عزیز) همان دنیا و فرمانروایی دنیوی است که به آل محمد و یوسف آل محمد رو خواهد نمود؛ ولی او فقط از آن راهی راضی و خوشنود می شود که مورد خواست و ارادهی خداوند باشد، یعنی تنصیب الهی و حاکمیت خداوند. نپذیرفتن زنا و راه غیر مشروع از دید خداوند (حاکمیت مردم) در ابتدای کار باعث سختی و رنج و زحمت یوسف آل محمد خواهد شد؛ همان طور که نپذیرفتن زنا توسط یوسف ع باعث به زندان رفتنش شد.

قال أمير المؤمنين علي (ع): (لتعطفن علينا الدنيا بعد شماسها عطف
الظروس على ولدها، ثم تلا هذه الآية: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا
فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (القصص: 5) بحار الأنوار: ج 51 ص 64.

امیرالمؤمنین علی ع می‌فرماید: (دنیا پس از روی‌گردانی‌اش، همانند روی
آوردن ماده شتر به بچاش، به ما روی خواهد نمود). سپس این آیه را تلاوت
فرمود: ﴿ما می‌خواهیم بر مستضعفین زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و
وارثان زمین قرار دهیم!﴾ (القصص: 5).

وهكذا سيجد أولوا الألباب في قصة يوسف (ع) تفصيل كل شيء عن يوسف
آل محمد، وبهذا أترك ﴿لأولي الألباب﴾ و ﴿لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ أن يستضيئوا من
قصة يوسف وما فيها بقراءتها وتدبرها، ومن الله التوفيق.

این‌چنین است که خردمندان در داستان یوسف ع تفصیل هر چیزی از
یوسف آل محمد را می‌یابند. به‌این‌ترتیب ﴿برای خردمندان﴾ و ﴿برای گروه
مؤمن﴾ را ترک می‌گویم تا از داستان یوسف و آنچه در آن است، با
خواندن و تدبیر در آن، بهره‌مند گردند و نورانی شوند؛ و من الله التوفيق.

﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَلَكِنْ
تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [إيضات
من دعوت المرسلين: ج 3 ق 2].

﴿در سرگذشت آنها درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود! اینها داستان
دروغین نبود؛ بلکه (وحي آسمانی است، و) هماهنگ است با آنچه پیش روی
او قرار دارد؛ و شرح هر چیزی و هدایت و رحمتی است برای گروهی که
ایمان می‌آورند!﴾. [روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان- سید احمد الحسن ع: جلد سوم.]

